Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Nineteenth year, No 77, Fall 2025

The role of foreigners in influencing sects claiming Mahdism in contemporary Iran and the challenges arising from it (with emphasis on the Qajar and early Pahlavi eras)

Dr. Majid Ahmadi Kachaei [1]

Abstract

In contemporary Iranian history, the existence of sects claiming messianic leadership has led to significant problems in the country. These sects, with their heterogeneous claims, particularly during a time when Iranians faced widespread social issues such as extreme poverty, attracted some people's interest. Meanwhile, the emerging phenomenon of colonial powers focused on crisis-stricken nations, and these sects in Iran were among the examples that could significantly assist colonizers in achieving their objectives. This research seeks to answer the question of how these emerging countries exploited the opportunities created by the messianic claimants in Iran to further their own goals. The response indicates that the primary aim of colonial powers was to create discord and disrupt national unity among Iranians. It is also noted that these countries could not significantly influence the creation of such sects due to various social and historical factors; however, by fostering and strengthening these movements, they made considerable efforts to benefit from their interests, which involved creating divisions among subordinate countries.

Keywords: Contemporary Iran, Foreigners, Messianic Claimant Sects, Influence

1. Assistant Professor and Faculty Member, Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran (Ahmadi.M@Isca.ac.ir)

مشـــرق موعود
فصلنامـه علمـی - پژوهشـی مهدویـت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره نوزدهم/ شماره ۳ (پیاپی ۷۷) / پائیز ۱٤۰٤

نقش بیگانگان در اثرگذاری بر فرقه‌های مدعی مهدویت در ایران معاصر و چالش‌های برآمده از آن(با تأکید بر دوران قاجار و پهلوی اول)*

مجید احمدی کچایی[۱]

چکیده

در تاریخ معاصر ایران، وجود فرقی با ادعای مهدویت سبب شد تا مشکلات قابل توجهی در کشور ایجاد شود. این دسته از فرق با ادعاهای ناهمگون به‌خصوص در دورانی که ایرانیان با مشکلات گسترده اجتماعی از جمله فقر فراوان، روبه‌رو بودند سبب شد تا برخی از مردم به ایشان تمایل نشان دهند. در این میان پدیده نوظهور کشورهای استعمارگر، ملت‌های بحران‌زده را مورد توجه خود قرار دادند و این دست از فرقه‌ها در ایران، از جمله نمونه‌های بودند که می‌توانستند استعمارگران را برای رسیدن به مطامع خود کمک شایانی کنند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که این دست از کشورهای نوظهور، چگونه از فرصت پدید آمده توسط مدعیان مهدویت در کشور ایران، برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کردند؟ در پاسخ اشاره شده است مهم‌ترین هدف کشورهای استعمارگر ایجاد اختلاف و برهم زدن وحدت ملی در میان ایرانیان بوده است. همچنین اشاره به این نکته اشاره شده است که کشورهای مذکور در ایجاد این دست از فرقه‌ها، به جهات مختلف اجتماعی و تاریخی می‌توانستند تأثیرگذار باشند، اما با ایجاد این فرق با بهره‌برداری فراوان و تقویت این جریان‌ها، سعی وافری داشتند در راستای منافع خود که ایجاد اختلاف در میان کشورهای فرودست بوده بهره لازم را ببرند.

واژگان کلیدی

ایران معاصر، بیگانگان، فرق مدعی مهدوی، اثرگذاری.

مقدمه

پژوهش کنونی به دنبال فهم این مهم است که مدعیان مهدویت در دوران کنونی چه میزان متأثر از رفتار بیگانگان بوده‌اند. در دوران معاصر ایران از جمله کشورهای بود که فراز و فرود فراوانی را در عرصه‌های اجتماعی تجربه کرد. در این دوران که همزمان با مراودات با دنیای غرب بود بیگانگان توانستند در تصمیم‌گیری و به‌تدریج با افزایش نفوذ خود، در

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران(Ahmadi.M@Isca.ac.ir).

تصمیم‌سازی حاکمیت ایران نقشی فعال داشته باشند که بخشی از آن متوجه جریان‌های چالش‌برانگیز در جامعه باهدف انشقاق عمومی در جامعه است. به طوری که افزون بر استقلال سیاسی و اجتماعی، هویت فکری ایرانیان نیز متأثر از این دست از دخالت‌ها شد. بر این اساس این مهم تبیین می‌شود که چگونه بیگانگان بر رویکرد فرقه‌های مدعی مهدوی در ایران تأثیرگذار بودند.

در این عرصه به‌رغم آثار متنوعی که در دوران کنونی درباره فرق مدعی مهدوی نگاشته شده است، نمی‌توان اثری مستقلی را نام برد که تنها به دنبال میزان اثرگذاری بیگانگان در فرق مدعی مهدویت باشد. بیشتر رویکردها در این زمینه با نگاه ناقدانه به خود فرق مدعی است و کمتر به پدیده چگونگی اثرگذاری بیگانگان توجه شده است. از این رو می‌بایست از لابه‌لای برخی از خاطرات و تاریخ نوشته‌ها مواد اولیه طرح کنونی را بازخوانش کرد. از جمله مهم‌ترین منابع اصلی در دوران قاجار و پهلوی می‌توان به خاطرات و خطرات مهدی قلی هدایت اشاره داشت، وی که از رجال برجسته دوران قاجار و پهلوی اول بود توانست تصویر روشنی از اتفاقات اواخر دوران قاجار و روی کار آمدن پهلوی را به تصویر بکشد. همچنین در آثار این دوره کتاب ادوارد براون نام برد. وی با رویکرد تقویت این دسته از فرق به‌خصوص جریان بابیه تحقیق خود را به انجام رسانده است. در دوران کنونی نیز کتاب ***مدعیان دروغین مهدویت*** اثر رسول جعفریان به بازار نشر آمد که بیشتر نگاهی تاریخی و گذرا به فرق مدعی مهدویت در تاریخ داشته است، از این رو به‌رغم با ارزش بودن اثر مذکور، تحلیل در این‌باره که چه میزان بیگانگان در تقویت فرق مدعی اثرگذار بوده‌اند، در آن کمتر دیده می‌شود.

نظریه

نظریه این پژوهش بر این امر استوار است که به‌رغم برخی از گمانه‌ها درباره ایجاد و اثرگذاری وسیع بیگانگان در فرقه‌های مدعی مهدویت دوران معاصر، اما نمی‌توان شواهد چندان محکمی یافت که کشورهای استعمارگر در ایجاد فرقه‌های مهدوی تأثیری فاعلی داشتند، بلکه بیشتر زمانی که این دست از فرقه‌ها به وجود می‌آمدند، بیگانگان نقش فعال خود را در پشتیبانی از آنها به عهده می‌گرفتند. این مهم راهبرد اساسی کشورهای استعمارگر از گذشته تاکنون بوده است و نه‌تنها در فرق مدعی مهدوی بلکه هر آنچه سبب انشقاق جوامع مورد سوءاستفاده بوده است، مورد توجه و بهره‌برداری آنها قرار می‌گیرد. از این رو نکته اساسی آن است که در بسیاری از موارد کشور استعمارگر توانایی ایجاد فرقه و انشقاق را در کشور مورد

نظر همانند ایران را ندارد، بلکه افرادی از همان جامعه با ادعاهای ناهمگون و زمانی که انسجام اجتماعی جامعه خود را مورد هدف قرار می‌دهند، توجه ایشان(استعمارگران) را به خود جلب می‌کنند. بدین سبب جریان‌های مدعی مهدویت در ایران معاصر همواره مورد توجه این دست از بیگانگان قرار داشته و دارند. این نظریه یعنی درهم ریختن انسجام اجتماعی جوامع، همواره به‌عنوان اندیشه راهبری کشورهای استعمارگر مورد توجه بوده است. نظریه مذکور به‌خصوص با نظریه جان فوران[1] هماهنگی فراوانی دارد. فوران نظریه‌های گوناگونی را برای بررسی تحولات ایران موردبررسی قرارداده است و در پایان نظریه خود را تحت عنوان گفتمان مقاومت شکننده ارائه می‌دهد. او در نظریه خود به این نتیجه می‌رسد برای تفوق بر ایرانیان لازم است که اتحاد موجود میان مردم این کشور سست شود و مقاومت آنان به این صورت از میان می‌رود. وی بر این باور است که کشورهای متخاصم با ایران، برای بهره‌برداری از منافع خود در این کشور، نیازمند انجام سه کار ویژه ذیل می‌باشد: ۱. اتحاد درونی میان قدرت‌های متخاصم علیه ایران؛ ۲. ایجاد تفرقه در میان(ایرانیان)؛ ۳. بسیج مردم در جهت حمایت از قدرت‌های متخاصم.[2]

بنابراین دیده می‌شود آنچه مورد توجه بیگانگان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی در ایران است ایجاد اختلال در نظم عمومی جامعه است از این رو این دست از فرقه‌ها مورد توجه فراوان ایشان بوده‌اند.

ادعاهای فرق مدعی

ادعای مدعیان مهدویت در دوران معاصر به چندگونه قابل تقسیم است: ادعای امامت و مهدویت (که شامل مهدویت نوعی و شخصی می‌گردد). ادعای نیابت خاص حضرت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و عدم اتمام آن به وکیلان خاص و یا واسطه فیض بودن میان حضرت

۱. جان فوران (John Foran) متولد ۱۹۵۵، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. وی از جامعه‌شناسان نامدار در پژوهش پیرامون زمینه «انقلاب‌های اجتماعی» در جهان است که به ویژه در دهه هشتاد میلادی تحولات سیاسی اجتماعی و انقلاب ایران را مورد مطالعه قرار داده است. فوران برای مطالعاتش در زمینه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و انقلاب‌ها به ویژه برای نگارش کتاب مقاومت شکننده در ایران شهرت دارد. او کتاب‌های پرشماری پیرامون انقلاب و جنبش‌های اجتماعی ایران و جهان نوشته و ده‌ها مقاله در معتبرترین نشریات جامعه‌شناسی غرب پیرامون انقلاب ایران منتشر کرده‌است(رک: فوران جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۷ش).

۲. برای اطلاع بیشتر رک: مقاومت شکننده «جان فوران»/ تحلیلی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران در خصوص تحولات تاریخ معاصر ایران
نویسنده : لکزایی، نجف، مجله:زمانه»سال سوم، خرداد ۱۳۸۳ - شماره ۲۱

مهدی علیه‌السلام و مردم. ادعای زمینه‌سازی ظهور در قالب افرادی مانند: یمانی، شعیب بن صالح، خراسانی، حسنی و نفس زکیه. ادعای ارتباط؛ که انواع آن، ادعای همسری، فرزندی، دیدار درخواب، مکاشفه و ملاقات حضوری است(شهبازیان، بی‌تا، ص. ۱۵).

مصادیق فرق مدعی

در بیان مصداق این دست از فرقه‌ها مدعی مهدویت در دوران معاصر نخستین مدعی جریان بابیه بوده است. علی‌محمد شیرازی، از مدعیان بابیت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که بعدها ادعای خود را تا مهدویت و نبوت پیش برد. وی در سال ۱۲۳۵ق در شیراز متولد شد. بعدها شاگرد یکی از مریدان شیخ احمد احسائی شد(اشراق خاوری، بی‌تا: ۶۳-۶۴). علی‌محمد شیرازی از این طریق زمانی که به کربلا رفت، در درس سیدکاظم رشتی۱۲۵۹ق(مهم‌ترین شاگرد شیخ احمد احسایی) حاضر شد(فاضل مازندرانی، بی‌تا، ج۳، ص. ۹۷). در این مدت با مکتب شیخیه آشنا شد. علی‌محمد شیرازی بعدها به ریاضت روی آورد و گفته شده زمانی که در بوشهر سکنی داشت در هوای گرم تابستان از سپیده‌دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصر بر بام خانه رو به خورشید اورادی را می‌خواند(اشراق خاوری، بی‌تا، ص. ۶۷).

پس از مرگ سیدکاظم رشتی و عدم جانشین مشخص توسط وی، میان شاگردانش رقابت افتاد و علی‌محمدشیرازی نیز در این رقابت شرکت کرد و خود را «باب» امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ذکر کرد و نظر گروهی از شیخیان را به‌سوی خود جلب کرد و بعدها علی‌محمد شیرازی آنها را حروف حی نامید، پیرامونش را گرفتند(آیتی، ۱۳۴۲ق: ج۱، ص. ۴۳). وی نخست، بخش‌هایی از قرآن را با روش شیخیه تأویل کرد و آشکارا بیان داشت که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشتن را «ذکر» نامید.[1] پس از مرگ محمدشاه و بالا گرفتن ادعاهای وی، میرزاتقی‌خان امیرکبیر ـ صدراعظم ناصرالدین‌شاه ـ براساس رأی برخی از عالمان، علی‌محمد شیرازی باب را به همراه یکی از پیروانش در تبریز اعدام کرد(جمعی از نویسندگان، ۱۳۲ و ۲۰۵).[2] این جریان پس از مرگ به اتمام نرسید و توسط برخی از انصار وی از جمله میرزا

۱. «أللّهُ قَدْ قَدَّرَ أنْ یَخْرُجَ ذٰلک الکتابُ فی تفسیر أحْسَنِ القَصَصِ من عِنْدِ محمّدِبن الحسنِ بنِ علیّ بن محمّدِبنِ علیّ بنِ موسَی بنِ جعفرِبنِ محمّدبنِ علیّ بنِ حسینِ بن علیّ بن أبی طالبٍ عَلیٰ عَبْدِهِ لِیَکُونَ حُجَّةَاللّهِ مِنْ عِنْدِالذِّکْرِ عَلَی العالَمین بَلیغاً» همانا خدا مقدّر کرده که این کتاب از نزد محمّد پسر حسن پسرعلی پسر محمّد پسرعلی پسر موسی پسر جعفر پسر محمّد پسر علی پسر حسین پسر علی پسر ابی‌طالب بر بنده‌اش برون آید تا از سوی ذکر (سیّدعلی محمّد) حجّت بالغهٔ خدا بر جهانیان باشد».

۲. ابوالفضل گلپایگانی از نویسندگان بهائی،در کتاب (فرائد) خود چنین می گوید : و به اصطلاح اهل اسلام که اکنون روی کلام به ایشان است، ظهور اوّل ظهور قائم موعود است و ظهور ثانی ظهور حسینی به لسان اهل تشیّع و ظهور مهدی و ←

حسینعلی بهاء و میرزا یحیی صبح ازل ادامه یافت و توانست به گسست بخشی از جامعه ایران منتهی شود (بهائیان، نجفی،۱۳۵۷ش).

پس از این جریان، مدعیان دیگری در ایران، ادعای مهدویت داشتند و به‌رغم نفوذ ایشان در برخی از نقاط کشور، اما این نفوذ به‌صورت محدود و کم‌دوام بود. برای نمونه پس از قاجار در دوران پهلوی همزمان با ملی شدن صنعت نفت در مناطق نفت‌خیز ایران، نهضت طلوعیان با شعار نزدیک بودن ظهور شکل گرفت و نزدیک به دو سال بخشی از مناطق بختیاری ایران تحت تأثیر این جریان قرار گرفت، اما بسیار زود از میان رفت(مرادخلج و روشنگر،۱۳۹۳، ص. ۱۵۳).[1]

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسئله مهدویت در کانون توجهات قرار گرفت و فعالیت‌های فراوانی را به‌منظور ترویج این اندیشه شاهد بودیم. بخشی از این امر متوجه نوع تبلیغات مهدی‌گرایانه و تقویت گمانه قریب‌الوقوعی امر ظهور است که سبب شد تا عده‌ای ساده‌دلانه و برخی نیز شیادانه به جرگه مدعیان مهدوی بپیوندند، طوری که گفته شده عده‌ای قابل توجه از این دست از مدعیان در زندان‌ها به سر می‌برند(جعفریان، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۳).[2] آنچه این دوران را از زمان‌های پیشین متمایز می‌کند، همان‌طور که بیان شد تنوع ادعاهاست. به‌عنوان نمونه، در این دوران می‌توان به مدعیان فرزندی حضرت،[3] دیدارهای پیاپی(اسحاقیان، بی‌تا، ص. ۱۴۵)، یاری حضرت، انتفاع خاصه از امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (حسین حجامی، ۱۳۹۶ش) و تطبیق‌های فراوان نشانه‌ها بر افراد گوناگون اشاره کرد(جعفریان، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۷).[4]

یکی دیگر از نمونه‌های این دست از مدعیان احمداسماعیل بصری است. ادعاهای وی شباهت‌های فراوانی به بابیه دارد. احمدبن اسماعیل یا بنا برخوانش مریدانش احمدالحسن در سال ۱۹۶۸م(۱۳۴۷ش) در عشیره هنبوش و شهر بصره در خاندانی غیرسادات متولد شد و تحصیلاتش را تا لیسانس معماری ادامه داد. وی بعدها مدعی شد بنابر امر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، به نجف هجرت کرد تا روش تدریس در حوزه علمیه را اصلاح کند. طرفدارانش بر این پندارند که وی در سال ۲۰۰۲م(۱۳۸۱ش) و پس از دیدن امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در رؤیا و خواب‌های

نزول روح الله به اصطلاح اهل تسنّن.

۱. این نهضت با نام مستر جیکاک و آقابابا رضایی گره خورده است. مهم‌ترین وعدهٔ آن‌ها ظهور قریب‌الوقوع امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بود.

۲. این آمار به دوران تألیف کتاب مربوط است.

۳. دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات «ن ـ ز» آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.

٤. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتاب مهدیان دروغین ملاحظه کرد.

پرشمار، اصلاح امور در حوزه را آغاز کرد. اما پس از مدتی، مدعی شد که از سوی حضرت، مأمور است تا آشکارا اعلام کند که فرستاده آن حضرت است. وی امروزه طرفدارانی در میان مردم دارد.

بیشتر ادعاهای مرتبط به مهدویت و نیابت خاص، همراه باانگیزه‌های سیاسی بوده است، اما همان‌طور که بیان شد تردیدی نیست که بیگانگان در ایجاد فرق مدعی بنیان‌گذار نبودند، بااین‌حال و پس از پدید آمدن آنها، سعی در بهره‌برداری از آن داشتند. از این رو تلاش می‌کنند به‌گونه‌ای آنها را ساماندهی کنند تا بهترین بهره‌وری برای آنان فراهم آید.

اثرگذاری بیگانگان

در دو سده اخیر و پس از ورود کشورهای استعمارگر به جهان اسلام، آنان از هر فرصتی برای تحت‌فشار گذاشتن دولت‌های اسلامی استفاده کردند. از رایج‌ترین روش‌های آنان در سرزمین‌های عثمانی، ایران و هند، دفاع از اقلیت‌های مذهبی یا مدعیان بوده است. این امر می‌توانست بهانه لازم را برای دخالت در امور داخلی این کشورها را فراهم سازد. در ایران نمونه دخالت آشکار بیگانگان در امور داخلی در جریان بابیت علی‌محمد باب بوده است. این امر به‌خصوص در دوره‌ای که دولت قاجار به کمک صدراعظم کاردان خود امیرکبیر به‌شدت با جریان بهاییت برخورد کرد، اروپایی‌ها برای منافع خود سعی کردند تا خود را در این ماجرا وارد سازند و از آن استفاده کنند.

برای نمونه گفته‌شده که سفارت روسیه در جریان اعدام میرزاعلی محمدباب، مداخلاتی داشته است. بعدها و در دوره‌ای که بهائیت با هدایت میرزا حسینعلی بهاء شکل گرفت، مداخله و حمایت روس‌ها و سپس انگلیسی‌ها بسیار بیشتر شد.[1] نکته مهم این‌که برخی از افراد از سفارت‌خانه روسیه از جسد باب پس از اعدام هم نقاشی کشیدند که به نظر می‌رسد برای استفاده بعدی از عکس نعش او بوده است(نجفی، ۱۳۸۱، ص. ۵۸۹).

این دست از رفتارها نیز سبب شد تا تردیدی وجود نداشته باشد که باب و طرفداران وی موردتوجه کانون‌های قدرت قرار گرفتند. بر این اساس نخستین گزارش‌ها در این زمینه تأکیددارند که یکی از افسران انگلیسی بر ملاحسین بشرویه یکی از مهم‌ترین مبلغان بابیه تأثیرگذار بوده است. در این‌باره فریدون آدمیت به اختصار چنین آورده است که تحقیقات بابیت سه مطلب را از یکدیگر تفکیک کرده است: (اصول عقاید باب، جنبه شورش بابیت در

۱. بهائیان، ۵۸۹.

آغاز پیدایش آن و تحول آن ازنظر انشعاب و آثار سیاسی). وی تصریح می‌کند «آئینی که باب آورد با روشی که سران اولیه آن فرقه پیش گرفتند و آنچه بعد تحقق پذیرفته در عین همبستگی ظاهری در معنی از هم جدا هستند(نجفی، ۱۳۸۱، ص .۵۹۳).

نویسندگان دیگری هم بر این امر تأکید دارند که علی‌محمد شیرازی در پیوند با کانون‌های استعماری و در وابستگی با کمپانی هند شرقی غائله بابیت را پدید آورد و این دست از افراد تا بدان‌جا پیش رفتند که باب را حتی عامل کمپانی «ساسون‌ها» می‌دانستند. بر این اساس چنین تحلیل می‌کنند که حضور پنج ساله علی‌محمد شیرازی در تجارت‌خانه دایی خود در بوشهر و ارتباط او با کمپانی‌های یهودی و انگلیسی مستقر در این بندر و کارگزاران ایشان منشأ پیدایش بابیت بوده است، چراکه اندکی پس از این اقامت ادعای خود را اعلام کرد و با حمایت همان کانون‌ها بود که باب در مدت ۵ سال به‌سرعت مشهور شد و توانست نفوذ فراوانی بیابد. دوران اقامت باب در بوشهر مقارن است با سال‌های اولیه فعالیت کمپانی ساسون(متعلق به سران یهودیان بغداد) در بوشهر و بمبئی. ساسون‌ها در دهه‌های بعد به «امپراتوری تجاری شرق» بدل شدند و در زمره دوستان خاندان سلطنتی انگلیس جای گرفتند. خاندان ساسون بنیان‌گذاران تجارت تریاک بودند و با تأسیس بانک شاهی انگلیس و ایران نقش بسیار مهمی در تحولات تاریخ معاصر ایران ایفا نمودند(زاهدانی، ۱۳۸۸، ص. ۷۷).

برخی دیگر ریشه بابیت را در فعالیت‌های روسیه دانسته‌اند(شهبازی، نشر اینترنتی، ۲۱-۲۲). نظریه نقش روسیه در پیدایش بابیت نیز نظریه برون‌زا و دارای گز راش‌های قابل‌توجهی است. براساس یکی از این روایت‌ها محمد خالصی‌زاده۱۳۴۲ش ریشه «سید» و روسی بودن بابیت را به سیدکاظم رشتی می‌رساند و چنین نگاشته است که وی اساساً پرورش‌یافته سرزمین‌های اسلامی نبوده است. بلکه او متولد یکی از بنادر روسیه به نام ولادی وستوک است به‌تبع این پروژه، بابیت نیز روسی معرفی شد. خالصی زاده در ادامه تأکید دارد: سیاست استعمار بود که شمارا وسیله ی القای اختلاف و ایجاد جنگ داخلی که مهم‌ترین حربهٔ آنها برای امحای ملل و تسلط بر آنهاست قرار داد(خالصی‌زاده، بی‌تا، ص. ۴۲).

بر این اساس کتابی با عنوان ***خاطرات کینا ز دالگورکی*** منتشر شد که در آن نشان می‌داد دالگورکی با درآمدن به لباس یك روحانی شیعه به نام شیخ عیسی سعی کرده است تا علی‌محمد شیرازی را تحت تعلیم قرار دهد و در نهایت او را به ادعای بابیت و مهدویت کشانده است(افراسیابی، ۱۳۹۱، ص. ۲۷۱). همچنین در جریان سوءقصد به ناصرالدین‌شاه بود که آشکارا نقش روسیه به این ماجرا باز شده و دال گورکی برای نجات بهاء مأموریت مخصوصی

داشت.[1] گزارش‌های دال گورکی که در کتاب ***تاریخ جامع بهائیت*** گرد آمده است و بسیار حائز اهمیت دارد(افراسیابی، ۱۳۹۱، ص. ۲۷۱ به بعد).

از جمله روایت‌های دیگری که معتقد است علی‌محمد شیرازی دست‌پرورده مأموران روسی است به همان سال‌های نخست پیدایش بابیت بازمی‌گردد. در این گزارش، حاکم وقت اصفهان منوچهر خان معتمدالدوله(گرجی) علی‌محمد شیرازی را نزدیک به یکسال در اصفهان پنهان می‌سازد. منوچهر خان گرجی از جمله اسیرانی بود که آغامحمدخان قاجار وی را از تفلیس به ایران آورده بود. این هویت منوچهر خان موجب شده بود که نویسندگان تاریخ اقدامات او در حمایت از علی‌محمد شیرازی به سیاست‌های روسیه نسبت دهند و معتقد شوند وی با هماهنگی با دولت روسیه از علی‌محمد حمایت کرده است. با این حال برخی دیگر همچون اعتضادالسلطنه علت حمایت وی از علی‌محمد را تضعیف عالمان اصفهان دانسته است و چنین نگاشته است که: منوچهر خان برای حکومت مطلقه خود در اصفهان دو مانع می‌دید: یکی خوانین بختیاری، دیگری روحانیون اصفهان. منوچهر خان خوانین بختیاری را به پول و زور و نیرنگ هر طور که بود رام کرد. ولی علمای اصفهان را از عهده برنمی‌آمد. چه علمای این شهر بی‌اندازه مقتدر بودند وقعی به حکومت سیاسی محلی نمی‌گذاشتند و حتی حدود شرعیه را و لو قتل به دست خود اجرا می‌کردند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۲، ص. ۱۱۹).

اما به‌رغم تأکید این منابع، به‌جهت ضعف سندی منابع مذکور، نمی‌توان تأکید داشت که این دست از فرقه‌ها، توسط بیگانگان ایجاد شده است. برای نمونه وجود کتاب خاطرات سیاسی برای فردی به نام کیناز دال گورکی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و حتی در صورت وجود چنین خاطراتی نمی‌توان بر گزارش‌های آن چندان اعتماد کرد. در بهترین صورت ممکن برخی از گزارش‌ها آن چندان اعتماد کرد. در بهترین صورت ممکن برخی از گز راش‌های این کتاب می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

با این‌حال نمی‌توان نقش دولت‌ها بیگانه را در تقویت این جریان‌ها نادیده گرفت، برای نمونه اقدامات دولت روسیه و حمایت‌های دولت انگلیس از بهائیت سبب دوام و گسترش آن گردید، تا جایی که عباس افندی از دولت انگلیس لقب «سِر» دریافت می‌کند و برای عظمت پادشاه وقت انگلستان دعاگو بود(افراسیابی، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۴) در این میان برخی از خاورشناسان همچون ادوارد براون نقش قابل‌توجهی در چاپ و نشر آثار بابیان و بهائیان و

۱. افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت: ۲۷۱.

دیدار او با سران این فرقه‌ها داشته‌اند(موسوی گیلانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۵).

بعدها مهم‌ترین کشوری که بهائیت با آن پیوندهای فراوانی پیدا کرد و در سده حاضر در جایگاه قدرتمندترین کشور استکباری قرار گرفت، کشور آمریکا بود که کمک شایانی به این جریان داشت. از نظر بهائیان هرچند ایران مهد بهائیت است، اما مهد نظم و ثقل امر بهائیت آمریکاست(روحیه ماکسول، بی‌تا، ص. ۳۰۹) عبدالبهاء بر این باور بود که قدرت و عظمت بهائیت از طریق آمریکا جهانگیر خواهد شد. در حال حاضر مهم‌ترین مشرق الاذکار(محل برآمدن ذکر الهی) بهائیان در شهر شیکاگو آمریکا قرار دارد که سنگ‌بنای اولیه آن در سال ۱۹۱۲م توسط عباس افندی گذاشته‌شده بود و از تمام مالیات‌های مرسوم در آمریکا معاف بود. آمریکا که سردمدار سرمایه‌داری در جهان است، از طرق گوناگون سیاسی، اقتصادی و غیر آن از فرقه بهائیت حمایت می‌نماید. بدیهی است که هدف از این پشتیبانی، تأمین همه‌جانبه منافع کشور آمریکاست. در این خصوص عبدالبهاء در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود «از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه. چه که مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیرخاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود»(خطابات حضرت عبدالبهاء، بی‌تا، ج۲، ص. ۳۳).

نکته دیگر در چرایی همراهی بیگانگان با این دسته از فرق نوظهور، شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در سده اخیر بوده است(شیرودی، ۱۳۸۱، ص. ۲۹). پدیده‌ای که از سوی قدرت‌های استعماری به‌شدت حمایت و پشتیبانی می‌شود(ایوانف، ۱۳۵۶، ص. ۴۷). این دست از استعمارگران به‌درستی این مهم را درک کرده بود که بدون تغییر در باورهای فرهنگی و معنوی جوامع اسلامی امکان دستیابی به اهداف خود را نخواهد داشت. از این رو سعی فراوانی کردند تا با تغییر ارزش‌های انسانی و اعتقادات دینی مسلمانان به این هدف دست یابند(جدید بناب، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۲). تسلط بر مراکز علمی، خبری و اطلاع‌رسانی، هنری و شبکه‌های تلویزیونی، بخش دیگری از اقدامات بیگانگان در راستای تضعیف و تخریب فرهنگ اسلامی بوده است(همان، ص. ۶۹). از این رو حمایت از فرقه‌گرایی در جهان اسلام و ایجاد برهم زدن انسجام مسلمانان به خصوص در کشور از برنامه‌های راهبردی ایشان قلمداد می‌گردد. سیاست ترویج و تشویق فرقه‌گرایی در میان مسلمانان موجب گردید تا مسلمانان به‌جای انسجام به‌منظور تقابل با دشمن دیرینه اسلام(صهیونیزم)، به جنگ‌های بی‌حاصل با یکدیگر مشغول شوند. بر این اساس حمایت و تقویت فرقه بهائیت در ابعاد گوناگون در راستای این سیاست رژیم صهیونیستی در طول عمر کوتاه خود بوده است. از این روست که سال‌ها پس از مرگ

بهاءالله، منابع بهائی مدعی بشارت‌های وی مبنی بر تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین موعود شدند(آهنگ بدیع، ۲۰۹).

در این راستا برخی از بهائیان به نشانه روابط صمیمانه بهائیان و صهیونیزم مدعی شده‌اند که وقتی یهودیان صهیونیست به ارض موعود وارد شدند برای درک نصایح به خدمت عبدالبها رفتند(اشراق خاوری، بی‌تا، ص. ۱۰۳). از این رو در جنگ جهانی اول که زمانی که رژیم انگلیس برای حمایت از یهودیان ساکن فلسطین در این منطقه دچار مشکل شد، مورد پشتیبانی بهائیان قرار گرفت. هربرت ساموئل که از خانواده‌های معروف یهودی انگلیسی و صهیونیست سرشناس بود، پس از اشغال و تصرف فلسطین توسط قوای انگلیس، به‌عنوان نخستین کمیسر عالی فلسطین انتخاب شد. وی توجه خاص ویژه‌ای به بهائیان و عبدالبهاء داشت و ضمن شرکت در تشیع جنازه عباس افندی، بهائیان را مورد تجلیل قرار داد(نجفی، ۱۳۸۱، ص. ۶۸۶). در میهمانی‌های عباس افندی، افزون بر هربرت ساموئل، موشه شارت از دوستان قدیمی عبدالبهاء و از مقامات عالی‌رتبه بعدی در رژیم صهیونیستی نیز حضور دائم داشته است. در سال ۱۹۴۷م، زمانی که مسئله فلسطین در جلسه عمومی سازمان ملل مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت، شوقی افندی در نامه‌ای به رئیس کمیسیون مخصوص رسیدگی به مسئله فلسطین نوشت که موقعیت بهائیان در این کشور تا حدی منحصر به فرد است و از میان ادیانی مانند اسلام، مسیحیت و یهود، تنها یهودیان هستند که علاقه آنان نسبت به فلسطین تا اندازه‌ای قابل قیاس باعلاقه بهائیان به این کشور است(همان، ص. ۶۸۹). شوقی در سال ۱۹۵۱م در تلگراف مربوط به تشکیل هیئت بین‌المللی بهائی(بیت‌العدل بعدی)، یکی از علل مهم تأسیس این هیئت را پیدایش ملت مستقل اسرائیل و تأسیس حکومتی از طرف آن ملت عنوان می‌نماید(آهنگ بدیع، ۷). روحیه ماکسول، همسر شوقی افندی نیز پیوند و ارتباط بهائیت و صهیونیسم را این‌گونه عنوان می‌کند که «من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان(بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان(اسرائیل) نشو نما نماید و در حقیقت باید گفت آینده ما یعنی بهائیت و اسرائیل چون حلقه‌های زنجیر به‌هم‌پیوسته است»(گلپایگانی، ۲۰۱۵م، ص. ۶۰۱). روابط رژیم صهیونیستی با بهائیان و صمیمیت بین آنان در این خبر که در نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران درج‌شده مشهود است: با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و در ملاقات با بن گوریون، نخست‌وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان برای پیشرفت دولت مزبور به او ابلاغ نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط

صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند(همان، ص. ۸). بیت‌العدل که خطاب به محفل‌های بهائیان ایران نوشته شده است نیز این روابط مشهود است. در این نامه آمده است که روابط حکومت اسرائیل با حضرت ولی امرالله کاملاً با هیئت بین‌المللی بهائی دوستانه و صمیمانه است و در خصوص شناسایی بهائیت در اسرائیل نیز موفقیت‌هایی حاصل گردیده است(همان: ۱۶). براساس اسناد ساواک در سال ۱۳۴۶ش، بهائیان ایران نیز در قبال حمایت‌های اسرائیل از بهائیان، کمک مالی هنگفتی را به اسرائیل ارسال نمودند. رژیم اشغالگر قدس در ادامه حمایت‌های خود از بهائیان در سرزمین‌های اشغالی، تمام اماکن و موقوفات بهائیان را از عوارض و مالیات معاف نمود، عقدنامه بهائی و ایام متبرکه بهائیان را به رسمیت شناخت. پس از مرگ بهاءالله بر سر رهبری فرقه و تسلط بر اماکن بهائیان، اختلافات و حتی انشعاباتی در میان بهائیان به وجود آمده بود که تا سال‌ها ادامه داشت. با حمایت‌های رژیم اشغالگر قدس، شوقی افندی توانست بر رقبای فرقه‌ای خود فائق آمده و دارایی‌های آنان را مصادره نماید. افزون بر آن این رژیم، تنها جناح شوقی را در میان انشعابات بهائیت به رسمیت شناخت(همان، ص. ۲۵۹). به‌طورکلی روابط صهیونیسم و بهائیت براساس انتفاع متقابل سیاسی و اقتصادی بنا گذاشته شده و محوریت آن نیز تخریب و تضعیف جوامع و ملل اسلامی است. به همین جهت است که با آن‌که برخی از نویسندگان غربی، به‌رغم اذعان به ابعاد گسترده خاصیت واپس‌گرایانه بابیت، هم‌چنان به دفاع از آن برخاسته‌اند؟ به نظر می‌رسد این امر به جهت ایجاد اختلاف در میان مسلمانان بوده است. افرادی چون براون و آلفونس نیکلا از این‌که دو نهاد تاریخی مهم ایران یعنی روحانیت و حکومت توسط بابیت به چالش کشیده شدند احساس رضایت داشتند. از این رو، به‌صورت متناقض‌نمایی، این جنبش ارتجاعی را، که مصادیق بی‌شمار واپس‌گرایانه آن حتی در آثار آنها نیز مندرج است، پدیده‌ای مترقی و اصلاح‌گر تعریف کرده‌اند. جرج کرزن، مأمور انگلیس که برای کتاب ایران و قضیه ایران، برای تحقیق میدانی به ایران آمده بود تأکید داشت که با شکست فعالیت هیأت‌های مذهبی مسیحی در برابر اقتدار عالمان، بابیت را جایگزین مناسبی برای مبلغان مسیحی تشخیص دادند. کرزن در ادامه همین دیدگاه از مهم‌ترین دلایل خصومت مأموران خارجی با روحانیت شیعه را این می‌داند که به‌رغم آزادی تبلیغ مسیحیت، که حکومت قاجار به هیأت‌های تبلیغی مسیحی داده است، روحانیان شیعه با فعالیت‌های تبلیغی خود اثر اقدامات آنان را خنثی می‌کردند و مانع مسیحی شدن مردم ایران می‌شوند(جرج ناتانیل کرزن، ۱۳۶۲، ص. ۶۴۲-۶۴۴).

پس از شکست بابیت و کشته شدن رهبران اولیه آن، عرصه به دست نسل جدیدتری افتاد

که به دلیل مقاومت علمای شیعه و مرجعیت دینی در مقابل استفاده ابزاری این جریان از دین، ستیزه‌جویی خود را علیه کانون مرجعیت دنبال کردند. این امر به‌خصوص پس از روابط مناسب ایشان با دولت‌های انگلیس، روسیه و آمریکا، گسترش یافت. مأموران دول غربی حساسیت ویژه‌ای به قدرت روحانیت شیعه و ساختار آن داشتند. این موضوع را در خاطرات هاردینگ آشکارا می‌توان دید؛ جایی که وی به تحلیل ساختار قدرت در روحانیت می‌پردازد و در کتاب خود رضایتش را از تقابل بابی‌ها و بهایی‌ها با روحانیت پنهان نمی‌سازد. در گوشه‌ای از خاطرات او چنین آمده است: «بابی‌ها احترام فوق‌العاده‌ای برای تعالیم و معجزات عیسی مسیح قائل‌اند، جالب‌ترین خصیصه بهائیان در نظرم شباهتی بود که میان گرایش‌های مذهبی این گروه و معتقدات «انشعابیون مسیحی» نظیر اولاردها در انگلستان و هوسیت ها در بوهم (بخش غربی جمهوری چک) وجود داشت و این شباهت بالأخص در آن نفرتی که بهایی‌ها نسبت به مطامع دنیوی و مقاصد سیاسی روحانی نمایان شیعه نشان می‌دادند بیشتر به چشم می‌خورد(هاردینگ، ۱۳۶۳، ص. ۱۳-۱۵). افزون بر مورد بالا در گزارشی سفیر روسیه در ایران چنین تأکید داشت: «خیلی خوب است که فرقه بابیه با علمای اسلام مخالفت و مبارزه شدید شروع کرده و آنان را متهم به انحراف نماید»(نجفی، ۱۳۸۱، ص. ۵۹۴).

بر این اساس دور از ذهن نیست که یکی از دلایل همراهی بیگانگان با این دسته از جریان-ها، مخالفت ایشان با روحانیت بوده است. این مهم بیشتر به جهت رفتار تقابل‌گرایانه روحانیون شیعی در برابر زیاده‌خواهی بیگانگان بوده است. چنان‌که روحانیت شیعه در میان کاست‌های فرودست نفوذ فراوان داشته و در برابر حاکمیت همواره رفتاری محتاطانه و در زیاده‌خواهی کشورهای استعمارگر رفتار اقتدارگرایانه داشتند(مدنی، ۱۳۸۰: ۵۵) نمونه‌های مشهور آن در قراردادهای دوران قاجار(رژی، رویتر، تنباکو و...) و پهلوی(صنعت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و...) می‌توان برشمرد. در عین حال سعی فراوانی داشتند تا استقلال سرزمینی و هویت ایرانی شیعی را حفظ کنند.

این مهم براساس نیاز عمومی مردمی ایران که همواره بر مذهب و مشخصه‌های آن تکیه داشته‌اند استوار شد و با همدلی گسترده مردم مواجهه شد. تأکید بر استقلال از دولت‌های سلطه‌گر بر این کشور نیز از شعارهای اساسی این گفتمان مرجعیت شیعه در تمام دوران معاصر تاکنون بوده است. در این جریان روحانیان شیعه سهم بزرگی در هدایت و آگاهی‌بخشی و رهبری مردم داشتند.

بنابراین طبیعی بود همراهی با مخالفان جریان روحانیت شیعی در راهبرد این دست از

دولت‌ها قرار گیرد. از این رو هر دو دولت روسیه و انگلیس و بعدها دولت آمریکا، از هر جریانی که در برابر مرجعیت شیعی قرار می‌گرفت، حمایت می‌کردند و این روند هم‌چنان ادامه دارد(برای مطالعه بیشتر ر.ک: احمدی کچایی، ۱۴۰۳).

همچنین این نظریه دور از ذهن نیست که جوامع غربی براساس تجربه‌ای در قرون گذشته کسب کرده بودند، از دست رفتن اقتدار کلیسا را موجب تجزیه کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک‌تر دیدند از این رو تلاش کردند براساس همان تجربه، از طریق تقویت جنبش‌های اجتماعی خاص، اقتدار و انسجام مذهبی ایران را از میان ببرند تا تجزیه و مدیریت آن آسان‌تر شود. این نظریه با تفکیک دو نوع اقتدار «دینی» و «جابرانه» در دوران قاجار اعمال اقتدار دینی را مربوط به روحانیان و اعمال اقتدار جابرانه را مربوط به حکومت و شاه عنوان می‌کند.

بر این اساس«رشد ملی‌گرایی و تفکیک از آثار «نوگرایی مذهبی» در اروپا علاوه بر «رشد سرمایه اروپا به کشورهایی مستقل از کلیسای کاتولیك مستقر در رم بود». یعنی با شکست اقتدار مذهب کاتولیك در اروپا، مجال برای رشد ملی‌گرایی و جدا شدن قومیت‌های مختلف به‌عنوان کشورهای مستقل فراهم شد. به نظر می‌رسد همین تجربه به الگویی در دست سیاستمداران روسیه و انگلیس در سده نوزدهم تبدیل شد تا آن سیاست را در منطقه غرب آسیا اجرا کنند. آنان با استفاده از نوگرایی دینی در کشورهای عثمانی، هندوستان و ایران در پی شکستن اقتدار ملی آنان و تقسیم این کشورها به قطعات کوچک‌تر برآمدند. وهابیت در سرزمین عثمانی و قادیانی‌گری در هندوستان همان کارکردی را داشتند که بابیت در ایران داشت. بر این اساس دولت‌های استعماری پس از آن‌که به لحاظ تاکتیکی تغییر سیاست دادند و پس از ناامیدی از شکستن اقتدار ملی از این راه، درصدد استفاده از این روش در استقرار نظام اجتماعی وابسته به غرب در ایران برآمدند و آنها را به‌عنوان یکی از کنشگران اجتماعی ایران در پروژه و برنامه دیگری به کار گرفتند(زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰، ص. ۴۳-۴۴).

بنابراین می‌توان گفت که نقش بیگانگان بیشتر ایجاد موج افزایی در میان پیروان این دسته از فرق نوظهور بود و آنچه مورد توجه بیگانگان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی در ایران همواره مورد توجه بوده است، ایجاد اختلال در نظم عمومی جامعه است از این رو این دست از فرقه‌ها موردتوجه فراوان ایشان بوده‌اند.

این نکته شایسته بیان است که در برابر رفتار بیگانگان رهبران انقلاب اسلامی همواره تأکید فراوانی بر اصل اتحاد داشتند و به اندازه‌ای بر این اصل مهم تأکید داشتند که گسترده‌ای آن خود می‌تواند در پژوهش‌های دیگر مورد توجه قرار گیرد. در این بخش تنها به یک مورد از

فرمایشات ایشان اشاره می‌شود. از جمله در نخستین سخنرانی امام خمینی رحمه‌الله بر این اصل مهم بسیار تأکید شد و این امری بود که همواره توسط ایشان مورد مطالبه قرار می‌گرفت.[1] همچنین مقام معظم رهبری نیز به این اصل بسیار مهم توجه فراوان داشتند.[2] به باور نگارنده نظریه وحدت و اتحاد ملت، توسط رهبران جمهوری اسلامی، کاملاً هوشمندانه در تقابل با نظریه چالش‌برانگیز، اختلاف در میان ایرانیان، توسط استعمارگران است. نکته بسیار مهم و پایانی به‌عنوان یک پیشنهاد آن است که باید به مردم ایران اصل بسیار مهم وحدت را یادآور شد و تأکید شود که برخی از نظریه‌پردازان غربی در دوران گذشته تاکنون در تقابل این اصل مهم، ایجاد اختلاف در میان ایرانیان را مصدر کار خود قرار داده‌اند که در دوران کنونی مهم‌ترین آنها جان فوران است. بنابراین یکی از بهترین روش‌ها برای ایجاد اختلاف کمک به فرقه سازی در میان کشور است، از این رو می‌بایست در برابر این دست از رفتارهای تقابل‌گرایانه، افزون بر آگاهی ملت، با افراد سودجو برخورد مناسب شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بیان شد که چگونه فرق مدعی در دوران معاصر ایران به تکاپو مشغول شدند و با ادعاهای ناهمگون خود، انسجام اجتماعی مردم این سرزمین را هدف گرفتند. این دسته از مدعیان با طرح ادعاهای همچون ارتباط با امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف؛ نیابت و باب آن حضرت، ادعای مهدویت، ادعای نبوت و... سعی وافری داشتند تا در دوره‌های که ایرانیان با

۱. از این به بعد توجه به بسیاری از امور لازم است که عمده‌ی آن توجه به حفظ وحدت کلمه است. ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم؛ باز باید همه‌ی اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم. من به همه‌ی ملت توصیه می‌کنم که به همین نحو که تا کنون به وحدت کلمه‌ی خودشان ادامه داده‌اند از این به بعد هم ادامه دهند.» و برای ساختن دوباره ایران نیز، حضور و مشارکت همه را لازم و ضروری عنوان می‌کنند: «اینک ما باید ایران را بسازیم؛ از نو بسازیم ولی مشکلات دارد مشکلات فقط با دولت رفع نمی‌شود، مشکلات با یک قشر یا دو قشر از ملت رفع نمی‌شود. همه‌ی ملت باید دست به هم بدهند و هرکس در هر شغل، مقام و مکانی که هست، دست به دست ملت بدهد و با هم این بنای جدید را به پایان برسانیم، و یک ملت جدید و یک دولت جدید و یک بنای جدید که همه اسلامی باشد و همه انسانی باشد ما از سر بنا کنیم». ۱۳۵۷-۱۱-۱۲ش رک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

۲. «امام بزرگوار از روز اوّل روی یکی از چیزهایی که همیشه تکیه می‌کرد، مسئله‌ی «اتّحاد» بود. بعضی‌ها با یکدیگر سر مسائل جناحی، مسائل سیاسی اختلاف پیدا می‌کردند، امام (رضوان الله علیه) به اینها نهیب می‌زد و می‌گفت: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید»... به نظر من رقابت‌های داخلی به جای خودش محفوظ، امّا همه باید با هم باشند، همراه باشند. در یک خانواده ممکن است دو برادر با هم دو سلیقه‌ی مختلف داشته باشند امّا برادری‌شان از بین نمی‌رود؛ کار به دشنام و دروغ و اهانت و مانند اینها نباید بکشد؛ این را همه باید مراقبت کنند» ۱۴۰۳/۱/۱. رک: رک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

بحران‌های اجتماعی روبرو بودند، برای خود طرفدارانی داشته باشند. در این میان این مهم تبیین شد که بیگانگان به جهت ساختارهای اجتماعی در ایران توان ساخت و ایجاد فرقه در ایران را نداشتند، در عین حال با پیدایش مدعیانی در کشور به پشتیبانی از آنها دست می‌زدند. این دست از حمایت‌ها بیشتر به جهت برهم زدن انسجام اجتماعی در میان ایرانیان بود تا به این وسیله اهداف استعماری خود را در کشور به سرانجام برسانند.

منابع

- احمدی کچایی، مجید(۱۴۰۳)، ***صداقت در ایران معاصر***، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اسحاقیان، جواد(بی‌تا)، ***پیچک انحراف***، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- اشراق خاوری، عبدالحمید(بی‌تا)، ***گنجینه حدود و احکام***، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری.
- افراسیابی، بهرام(۱۳۹۱)، ***تاریخ جامع بهائیت (کالبدشکافی بهائیت)***، بی‌جا: مهرفام.
- ایوانف، یوری(۱۳۵۶)، ***صهیونیسم***، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: امیرکبیر، سوم.
- آیتی، سیدمحمدباقر(۱۳۴۲ق)، ***الکواکب الدرّیّة فی مآثرالبهائیّة***، مصر: بی‌نا.
- جدید بناب، علی(۱۳۸۶)، ***عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام***، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، سوم.
- جعفریان، رسول(۱۳۹۱)، ***مهدیان دروغین***، به‌ضمیمه سه رساله: رساله در شرح حدیث دولتنا فی آخرالزمان؛ رساله مبشره شاهیه؛ رساله الهدی سیدمحمد نوربخش، بی‌جا: نشر علم.
- حجامی، حسین(۱۳۹۶)، ***به سوی انحراف***، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات «ن ـ ز»، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
- زاهد زاهدانی، سعید(بی‌تا)، ***بهائیت در ایران***، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- السلطنه، اعتضاد(۱۳۶۲)، ***فتنه باب***، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
- شیرودی، مرتضی(۱۳۸۱)، ***فلسطین و صهیونیسم***، تهیه‌کننده: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، بی‌جا: نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.

- شیرودی، مرتضی(بی‌تا)، ***فلسطین و صهیونیزم***، بی‌جا: نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.
- فوران، جان(۱۳۷۷)، ***مقاومت شکننده***، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.
- کافی، محمدمهدی(بی‌تا)، ***قبیله حیله***، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم(آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- کرزن، جرج ناتانیل(۱۳۶۲)، ***ایران و قضیه ایران***، ترجمه: غ وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلپایگانی، ابوالفضل(۲۰۱۵م)، ***کتاب فرائد***، آلمان: مؤسسه ملی مطبوعات امری، اول.
- لک‌زایی، نجف(۱۳۸۳)، «مقاومت شکننده جان فوران/ تحلیلی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران در خصوص تحولات تاریخ معاصر ایران، ***مجله زمانه***، سال سوم، شماره ۲۱.
- مازندرانی، فاضل(بی‌تا)، ***تاریخ ظهور الحق***، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
- مدنی، جلال‌الدین(۱۳۸۰)، ***تاریخ سیاسی معاصر ایران***، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مراد خلج، محمدمهدی؛ روشنگر، محمدمهدی(۱۳۹۳)، «پدیده طلوعیان‌ونقش انگلیسی‌ها در شکل‌گیری آن»، ***پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران***، شماره ۵.
- موسوی گیلانی، سیدرضی(۱۳۸۵)، ***مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان غربی***، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- نجفی، سید محمدباقر(۱۳۸۳)، ***بهائیان***، قم: مشعر، اول.
- یاسینی نسب، عبدالعلی(۱۳۶۳)، ***خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ، وزیرمختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین***، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاسینی نسب، عبدالعلی(۱۳۸۲)، ***خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیاز دال گورکی در ایران***، بی‌جا: صبوری.